



Civil liability of Private Individuals Caused by the Coronavirus

مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از بیماری کروناویروس

Mojtaba Maghsoodi

Master of private law, Islamic Azad University, Bushehr
Branch, Bushehr, Iran (Corresponding Author)

Hamid Soleymani

Assistant Professor of Law Department, Rahpoyan Danesh
Institute of Higher Education, Bushehr, Iran

مجتبی مقصودی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران
(نویسنده مسئول)

maghsoodi.m2860@gmail.com

حمید سلیمانی

استادیار گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی رهپویان دانش، بوشهر، ایران
notary74b@gmail.com

Abstract

On the threshold of 2020; the world was faced with a dangerous and pervasive phenomenon called the coronavirus or Covid-19. The virus led to severe damage to private individuals and legal entities. In addition to various social, cultural, and economic dimensions, it also has legal aspect. In the present study, an attempt has been made to explain the various aspects of civil liability of private individuals resulting from the coronavirus and the factors that relieve individuals of responsibility by examining Imamiyah jurisprudence and domestic law. In jurisprudential and legal sources, several principles have been considered for the civil liability of individuals, including waste, causation, harmlessness and premonition, and so on. The people are responsible not only intentionally but also for any negligence in following the medical instructions in a situation where we face the risk of Corona epidemic in the country. But in some circumstances, responsibility can be transferred from the transferor according to jurisprudential rules such as charity and action.

Keywords: Civil Liability, Outbreaks and Transmission of Coronavirus, Private Individuals.

چکیده

در آستانه سال ۱۳۹۹ شمسی جهان با پدیده خطرناک و فراگیری به نام ویروس کرونا موسوم به کووید-۱۹ رو به رو شد. این ویروس خساراتی سهمگین را بر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی وارد آورد. مسئله‌ای که علاوه بر ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از ابعاد حقوقی نیز برخوردار است. در پژوهش حاضر تلاش شده است با بررسی در فقه امامیه و حقوق داخلی ابعاد مختلف مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از بیماری کروناویروس و عوامل رافع مسئولیت اشخاص حقیقی تبیین شود. در منابع فقهی و حقوقی مبانی متعددی برای مسئولیت مدنی اشخاص از جمله اتلاف، تسبیب و لاضرر، و غیره در نظر گرفته شده که نه تنها تعمد، بلکه حتی هرگونه غفلت و سهل انگاری در رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در شرایطی که با مخاطره بیماری کرونا در کشور مواجه باشیم اشخاص دارای مسئولیت باشند، لیکن در شرایطی مسئولیت از اشخاص ناقل به موجب قواعد فقهی چون احسان و اقدام قابل انتقال است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، شیوع و انتقال کروناویروس، اشخاص حقیقی.

Received: 2022/07/18 - Review: 2022/09/09 - Accepted: 2022/11/23

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

ارجاع:

خواجه نورالدینی، رضا؛ میرابی، سیده پریسا؛ (۱۴۰۱)، حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در سی و یکم دسامبر ۲۰۱۹ (اوایل دی ماه ۱۳۹۸) بروز یک بیماری شبیه ذات‌الریه^۱ در بازار غذاهای دریایی هانان شهر ووهان استان هوئی کشور چین به سازمان بهداشت جهانی گزارش شد که این سازمان و کمیته بین‌المللی طبقه‌بندی ویروس‌ها آن را SARS-CoV-2 نامگذاری کردند. سازمان بهداشت جهانی در دوازدهم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی این ویروس را کروناویروس نوین-۲۰۱۹ معرفی و با ادامه روند بیماری در یازدهم فوریه سال ۲۰۲۰، این بیماری را رسماً کووید-۱۹ نامگذاری کرد (گنجی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۱). به دلیل شیوع و گسترش جهانی این ویروس، سازمان بهداشت جهانی در تاریخ سی ام ژانویه ۲۰۲۰ با انتشار بیانیه‌ای شیوع و همه‌گیری کروناویروس جدید را به‌عنوان فوریت بهداشت عمومی با نگرانی بین‌المللی و ششمین عامل وضعیت اضطراری بهداشت عمومی در سراسر جهان اعلام نمود که تهدیدی نه فقط برای چین، بلکه برای تمام کشورها به شمار می‌رود و در تاریخ یازدهم مارس ۲۰۲۰ این بیماری از طرف سازمان بهداشت جهانی به صورت پاندمی (دنیاگیری) اعلام شد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۳۳). بعد از ریشه‌کن شدن آبله در سال ۱۹۸۰ که قریب به پانصد میلیون قربانی گرفت، شیوع بیماری‌هایی مثل ابولا، سارس، مرس و... نگرانی‌های جدی را در جامعه بین‌الملل دامن زد. با وجود این در پایان دهه دوم قرن بیست و یکم که سرعت پیشرفت علم و فناوری به حد اعجاب انگیزی رسیده است، برای کمتر کسی این امر قابل تصور بود که ویروس جدیدی به نام کووید-۱۹ به عامل تهدید حیات افراد تبدیل شود و بحرانی بین‌المللی

1- pneumonia

را ایجاد کند. کووید-۱۹ که با پیشرفت زمان، گونه‌های جدیدی از آن شناسایی خواهد شد خوشه‌ای از موارد عفونت شدید تنفسی به شمار می‌رود و توانایی آلوده نمودن انسان‌ها تا حد کشندگی را دارد.

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل کشور شیوع ویروس کرونا و تبعات گوناگون آن بر سلامت جامعه و به خطر افتادن جان انسان‌ها به واسطه سرعت بالای انتقال این ویروس است. به‌رغم همراهی بخش‌های وسیعی از جامعه در خصوص رعایت پروتکل‌ها و نکات بهداشتی، شاهد نادیده گرفتن اصول بهداشتی از طرف برخی افراد از جمله افراد بدون علائم و همچنین افرادی که به نحوی علائم ابتلا به کرونا را دارند، هستیم. قوانین و نظام حقوقی در هر جامعه به دنبال هدایت رفتار اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور برقراری نظم عمومی و عدالت است که در این راستا ضمانت‌های اجرایی در قوانین به منظور جلوگیری از ورود خسارت و جبران آن پیش‌بینی شده است. برای تحقق مسئولیت مدنی به نصوص قانونی نیازی نیست بلکه برای تعیین مصادیق خطا و تقصیر، همین اندازه که فعل یا ترک فعل منجر به ورود خسارت به دیگری شود و این خسارت در نظر عرف نامتعارف جلوه کند، کافی است؛ خواه فعل یا ترک فعل مزبور مورد نهی قانون قرار گرفته باشد؛ خواه ناشی از نهی قانون نباشد (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۲۴۱).

در قوانین داخلی موارد متعددی برای ملزم نمودن این افراد به رعایت دستورالعمل‌ها وجود دارد. قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰/۰۳/۱۱ در مواد ۶، ۷، ۹، ۱۲ و ۲۲ به این موضوع پرداخته و ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز برای مسئولیت قانونی اشخاص در ارتباط با بیماری کرونا قابل استفاده است. آنچه که مسلم است مسئولیت ناقلان ویروس کرونا از نوع غیرقراردادی است؛ چراکه میان مرتکب فعل زیانبار و دیگران رابطه قراردادی موجود نبوده و رعایت بهداشت فردی و عدم انتقال ویروس به افراد دیگر مبنای قراردادی ندارد؛ بلکه نوعی مسئولیت اجتماعی است که هر شخص در مقابل دیگران دارد؛ بنابراین برای تحقق مسئولیت غیرقراردادی انتشار عمدی یا غیرعمدی کووید-۱۹ یا سهل‌انگاری و کوتاهی در جلوگیری از انتشار ویروس کرونا، مانند هر مسئولیت مدنی دیگری، در حقوق باید فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه سبب میان عمل زیانبار و ورود ضرر احراز شود؛ چراکه اگر فعل ناروایی صرفاً با ورود خسارت تقارن داشته باشد این رکن مسئولیت مدنی کامل نیست.

یزدانیان و ثقفی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی «مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار» پرداختند. این مقاله در خصوص کلیه بیماری‌های واگیردار و قبل از شیوع کروناویروس نگارش شده

است. اسحاقی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در تحقیقی با عنوان «مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا» به صورت کلی هر دو مسئولیت کیفری و مدنی را مورد بررسی قرار داده و مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی به صورت مفصل مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین مقاله‌ای دیگر را محمودی (۱۳۹۹) با عنوان «مسئولیت مدنی و کیفری کتمان بیماری واگیردار (خاصه کووید-۱۹) از شهروندان» نگاشته اما علاوه بر کتمان، عوامل دیگری نیز در انتقال و شیوع این بیماری نقش دارد که در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته است. هوشمند فیروزآبادی (۱۳۹۹) نیز در تحقیقی به «امکان سنجی رفع مسئولیت مدنی ناقلان بیماری‌های همه گیر در پرتو قاعده تحذیر» پرداخته اما قواعد فقهی دیگری علاوه بر تحذیر در این خصوص قابل بررسی است که در این مقاله بدان اشاره نشده است. در این نوشتار سعی بر آن است مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی در شیوع و انتقال کروناویروس مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱- مفهوم‌شناسی بیماری‌های واگیردار؛ کروناویروس

منظور از بیماری‌های واگیردار بیماری‌هایی است که انتقال آن‌ها از طریق تماس مستقیم و غیرمستقیم با انسان، حیوانات، اشیاء و... بوده و در سطح جامعه به سرعت منتشر می‌شوند (فولادبند، ۱۳۹۱، ۹). از موارد جدید این نوع بیماری‌ها که اخیراً شیوع پیدا کرده و سلامتی جامعه جهانی را با چالش مواجه نموده؛ کرونا است. بیماری کووید-۱۹ از جمله بیماری‌های واگیر و مسری با ویژگی‌ها، خصوصیات و معیارهای ویژه و خاص است (احسانی‌فر، ۱۳۹۹، ۱۴۴). کروناویروس‌ها جزء ویروس‌های RNA^۳ دار تک رشته‌ای، پوشش‌دار و با قطر ۸۰-۱۲۰ نانومتر، دارای شکلی کروی با شاخه‌های برآمده و تاجی شکل هستند و همین شکل فضایی آن‌ها دلیل نامگذاری این خانواده ویروسی به نام کروناویروس^۴ شده است. ریشه این اسم برگرفته از واژه لاتین کرونا^۵ یا کلمه یونانی κορώνη به معنای تاج، هاله، اِکلیل و لوسترگرد می‌باشد (گنجی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲) و (طاهری، ۱۳۹۹، ۸۹) و (حییم، ۱۳۸۶، ۱۱۸). مترادف واژه کروناویروس در فارسی «ویروس تاج‌دار» است. این واژه به مشخصه ظاهری ویریون‌ها (شکل عفونی ویروس) که در زیر میکروسکوپ الکترونی دیده می‌شود، اشاره دارد که حاشیه‌ای از سطح بزرگ و پیازدار داشته و یادآور تصویری از یک

2- Communicable Disease

۳- اسید ریبونوکلئیک

4- Coronaviruses

5- corona

تاج سلطنتی یا تاج خورشیدی است.^۶ ویروس‌های کرونا در اصطلاح علم پزشکی، خانواده بزرگی از ویروس‌ها هستند که می‌توانند حیوانات و انسان‌ها را بیمار کنند و به چهار گروه آلفا، بتا، دلتا و گاما تقسیم می‌شوند. به طور کلی آلفا و بتا کروناویروس‌ها عمدتاً پستانداران را آلوده کرده و بیماری‌های انسانی و حیوانی ایجاد می‌کنند. در مقابل، گاما و دلتا کروناویروس‌ها عمدتاً پرندگان را آلوده می‌کنند؛ با این حال بعضی از آن‌ها می‌توانند پستانداران را نیز آلوده نمایند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۳۴).

هرچند وقت گونه جدیدی از جهش‌های کرونا شناخته می‌شود که معمولاً نسبت به نوع اولیه مقاوم‌تر و مسری‌تر هستند. تا به حال تهاجمی‌ترین نوع ویروس جهش یافته کووید-۱۹ با بالاترین آمار مرگ و میر، از نوع کرونا دلتا است که معمولاً چهار روز ریه فرد را درگیر کرده، سپس آرام شده و دوباره به بدن حمله می‌کند. به همین دلیل این سویه از جهش‌های کرونا بسیار خطرناک‌تر از سایرین هستند. در مورد دلیل جهش ویروس کرونا، باید گفت ماده ژنتیکی موجود در ویروس کرونا که به اسید ریبونوکلیئیک^۷ مشهور است، پس از چسبیدن به سلول‌های بدن حمله خود را آغاز می‌کند. سرعت تکثیر این ویروس‌ها بسیار بالاتر از نوع اولیه ویروس کرونا است. هرگونه تغییری مانند تغییر پروتئین اسپایک^۸ موجود در این ویروس در این فرایند باعث جهش ویروس کرونا می‌شود. هنوز تمامی گونه‌ها به صورت کامل شناسایی نشده‌اند و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. به‌عنوان نمونه سویه جدید کرونا با نام پزشکی B.1.1.529 در جنوب آفریقا شناسایی شده است. وزیر بهداشت بلژیک نیز از شناسایی نخستین مورد ابتلا به سویه جدید کرونا در این کشور خبر داد. اطلاعات ارائه شده نشان می‌دهد که سنبله پروتئین ویروس کرونا در سویه جدید دارای سی و دو جهش است، بنابراین ممکن است میزان تأثیرگذاری واکسن‌های تولید شده کرونا را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. سازمان بهداشت جهانی سویه جدید کرونا را پنجمین نوع جهش یافته کرونا از زمان ظهور این ویروس دانسته و نگران‌کننده طبقه‌بندی کرده است و حرف یونانی «اومیکرون» را به سویه جدید ویروس کرونا که در آفریقای جنوبی شناسایی شده اختصاص داد. با وجود این که سازمان بهداشت جهانی هنوز جزئیاتی در مورد میزان انتقال‌پذیری گونه اومیکرون ویروس کرونا ارائه نکرده است، اما گروهی از متخصصان بیماری‌های عفونی معتقد هستند که میزان سرایت آن یانصد درصد بیشتر از گونه دلتا است.^۹

6- <https://www.asriran.com/fa/news/710716>

7- RNA

۸- بخشی است که ویروسی را به بدن انسان وصل می‌کند.

9- www.imna.ir/news/538331

طبق گفته محققان کروناویروس می‌تواند مدت نسبتاً زیادی به صورت نهان در بدن افراد باشد و سبب انتقال بیماری شود، بدون این که فرد علائمی از خود نشان دهد (طاهری، ۱۳۹۹، ۹۲). بر اساس گزارش مرکز کنترل و پیشگیری بیماری، علائم اولیه کووید-۱۹ شامل تب (معمولاً بالای سی و هشت درجه)، سرفه، خستگی، تنگی نفس یا مشکل در تنفس، لرز، تکان‌های مکرر همراه با لرز، درد عضلانی، دردهای عصبی تا تشنج و سکنه مغزی، سردرد، گلودرد، گیجی، فراموشی، کاهش یا از بین رفتن حس بویایی و چشایی است و پس از چند روز تنگی نفس پدیدار می‌شود. اسهال و استفراغ علائم نادری است که از این نظر مشابه سایر کروناویروس‌ها با منشأ حیوانی است. اگرچه با توجه به نوپا بودن این ویروس علائم دقیق و کامل این بیماری مبهم است ولی با گذشت زمان علائم جدید و متفاوتی در حال آشکار شدن است (جهان پیمان و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۹۲) و (گنجی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴). با توجه به نبود درمان استاندارد و واکسن قطعی مؤثر برای کووید-۱۹، بهترین راه در شرایط حاضر در قدم اول پیشگیری از مبتلا شدن با رعایت نکات بهداشتی اعلام شده از منابع موثق و در قدم دوم، در صورت مبتلا شدن افراد، استفاده از روش‌های مؤثری است که توسط پزشکان و میکروبیولوژیست‌ها پیدا شده و در دست آزمایش است. اما فعلاً درمان قطعی وجود ندارد (طاهری، ۱۳۹۹، ۹۲).

۲- عناصر مؤثر در شیوع و انتقال کروناویروس

آنچه که باعث شده ویروس کرونا از اهمیت بالایی برخوردار باشد، سرعت بالای انتقال این ویروس است، به طوری که در مدت شیوع این ویروس، مدارس، دانشگاه‌ها، بسیاری از مغازه‌ها، مسابقات ورزشی، برنامه‌ها، همایش‌ها و سایر تجمعات محدود یا تعطیل شدند تا امکان انتقال این ویروس از افراد مبتلا به سایرین تا حد ممکن کاهش یابد. با توجه به قدرت سرایت بسیار بالا و همه‌گیری این ویروس که در این راستا وزارت بهداشت نیز بارها در آموزش‌های مختلف به عدم خروج اشخاص دارای علائم ابتلا به ویروس کرونا از منزل و خودداری از حضور در محل کار و سایر مکان‌های عمومی توصیه و اعلام نمود اگر علائم شان تشدید شد به بیمارستان‌های مشخص شده مراجعه کنند، در این راستا غفلت افراد مبتلا به ویروس کرونا یا دارای علائم ابتلا به این ویروس که دستورات بهداشتی را رعایت نمی‌کنند و برخلاف درخواست‌های اعلامی مسئولین بین شهروندان تردد و امنیت زیستی و بهداشتی آن‌ها و جامعه را به خطر می‌اندازند موجب شیوع ویروس کرونا در کشور گردید. در ادامه اشخاصی که به‌رغم داشتن وظیفه قانونی به‌عنوان مسئولین حفظ سلامت بهداشت افراد و جامعه با علم به ابتلای فرد یا شهر در پیشگیری و جلوگیری از شیوع آن کوتاهی و غفلت

کردند از عوامل مؤثر در شیوع و انتقال کروناویروس می‌باشند.

بیشترین مقدار سرایت ویروس زمانی است که فرد دارای علائم بالینی باشد. با این حال برخی از بیماران قبل از ظهور علائم بالینی نیز قادر به انتقال عفونت خود به دیگران هستند. عمده دلیل شیوع این بیماری انتقال آن توسط افراد ناقل و فاقد علامت یا با علامت‌های خفیف بیماری است (گنجی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴). طبق نتایج تحقیقات اخیر، تماس مستقیم فرد به فرد (کمتر از شش قدم یا دو متر) و استنشاق قطرات تنفسی آلوده، شایع‌ترین راه انتقال این ویروس در جامعه است. قطرات تنفسی آلوده از طریق عطسه یا سرفه فرد مبتلا در محیط منتشر شده و در دهان یا بینی افرادی که در نزدیکی فرد بیمار قرار دارند فرود آمده، سپس به داخل ریه آن‌ها منتقل می‌شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۴۱).

با توجه به این که هدف نهایی در نظام حقوقی مسئولیت در امور عمومی مانند امراض مسری، حفظ حداکثری سلامت و جان شهروندان است، اگر سایر مسئولیت‌ها به درستی محقق و اجرا شود ولی مردم (مبتلایان و غیرمبتلایان) با تدابیر درمانی و پیشگیرانه هماهنگ نباشند، تا حد زیادی اهداف کنترلی با شکست مواجه خواهد شد. در واقع، مجری اصلی سیاست‌ها و تدابیر اتخاذی، شهروندان هستند که با توجه به آموزش‌های فراگرفته، فرهنگ همگانی پیشگیری را اجرایی می‌سازند.

۳- مبانی مسئولیت مدنی افراد مبتلا به کروناویروس

ناقلان ویروس کرونا طبق قواعد مسئولیت مدنی مسئول بوده و ملزم به جبران زیان وارده به دیگران هستند که این زیان می‌تواند در بخش کیفی پرداخت دیه و در بخش مدنی پرداخت خسارت مازاد بر دیه باشد؛ چراکه هزینه‌های درمان، از کارافتادگی و خسارات معنوی وارده بر اشخاص نیز طبق قواعد مسئولیت مدنی می‌بایست پرداخت شود (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۲). مسئولیت ناشی از انتقال بیماری تنها مخصوص بیمار مطلع از بیماری خود نبوده و بیماران ناآگاه را نیز شامل می‌شود. لذا مبانی مطرح در باب مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار در دو فرض «بیمار غیرمطلع از بیماری خود» و «بیمار مطلع از بیماری خود» مطرح می‌شود.

۳-۱- مسئولیت بیمار ناقل بی‌اطلاع از بیماری خود

می‌دانیم که افراد جامعه نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند؛ از جمله این که هیچ کس نباید سبب اضرار به دیگری شود (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۳۰۰). از این رو مسئولیت بیماران اخیر را می‌توان با مبانی اتلاف و تسبیب یا به عبارت دیگر نظریه تقصیر اثبات نمود.

۱-۳-۱- قاعده اتلاف

اتلاف مصدر باب افعال از ریشه «تلف»؛ در لغت به معنای نابود کردن، باطل کردن و هالک کردن آمده است (رازی، ۱۳۸۷، ۱۳۷). فقیهان در موارد مختلف جهت اثبات ضمان و مسئولیت مدنی به این قاعده تمسک جسته‌اند و با عبارت «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» به معنای اگر کسی مال غیر را از بین ببرد یا مصرف کند و از صاحب مال اجازه نداشته باشد، ضامن است، عنوان نموده‌اند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۳) و برای این قاعده دلائلی مانند آیات شریفه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره^{۱۰} و ۴۰ سوره مبارکه شوری^{۱۱} را و در اعتبار آن چنین گفته‌اند که اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد. همین که بنای عقلا، ضرورت و نصوص فراوانی دلالت بر این می‌کند که مال، عمل، عرض و خون مسلمان محترم بوده و نمی‌توان به آن ضرر وارد کرد، بر قاعده دلالت دارد (مراغی، ۱۴۱۷، ۴۳۴). همچنین به‌عنوان مستند قانونی به ماده ۳۲۸ قانون مدنی^{۱۲} نیز می‌توان اشاره نمود.

اتلاف در معنای اعم به دو صورت به مباشرت و غیرمباشری (به تسبیب) می‌باشد که در هر دو صورت شخص تلف‌کننده ضامن بوده و باید خسارت را جبران کند. جدای از معنای اعم قاعده و این که برخی علما قاعده تسبیب را از مصادیق قاعده اتلاف می‌دانند، بسیاری از حقوقدانان قاعده تسبیب را از قاعده اتلاف جدا کرده‌اند. بنابراین آنچه در این قسمت با عنوان قاعده اتلاف می‌آید، تنها اتلاف بالمباشره است و گفته‌اند که اتلاف؛ فعل مثبت بدون واسطه‌ای است که موجب تلف مال می‌شود (امامی، ۱۳۷۴، ۳۹۲). ابتلای به بیماری و آگیردار کووید-۱۹ از طریق انتقال به مباشرت بدین نحو است که شخص مصاب به ویروس کرونا به صورت مستقیم و بدون واسطه، شخص دیگری را به ویروس کرونا مبتلا می‌کند. مثلاً ناقل بیماری مسری کرونا با کسی دست دهد یا وی را در آغوش می‌گیرد یا با وی روبوسی می‌کند و از این تماس بدنی، ویروس شخص نخست به شخص دوم سرایت می‌کند و منجر به ابتلای ایشان به بیماری

۱۰- الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ: ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید که اگر حرمت آن را نگاه نداشته و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.

۱۱- وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ: و جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر عهده خداست. به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد.

۱۲- ماده ۳۲۸: هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

گردد. در موردی تلف کننده را باید مباشر تلف دانست که در نظر عرف بین تلف و کار مباشر رابطه علیت مستقیم باشد، چنانکه بتوان گفت نوعاً یا برحسب خصوصیت‌های مورد، تلف از لوازم آن کار است که فاعلیت در عمل و تحقق انتساب و نیز ارتباط فاعل با پدیده تلف لازم است (یزدانیان، ۱۳۷۹، ۴۹). به موجب اطلاعات ادله قاعده اتلاف، در پدید آمدن نوع ضمان به هیچ وجه عنصر عمد و قصد دخالت ندارد. از این رو شخص ناقل کرونا که با عمل خویش موجب خسارت مالی یا جانی به دیگری شده، ضامن و ملزم به جبران خسارات وارد شده است، اعم از این که عالماً عامداً چنین کرده یا بدون قصد از عمل وی چنین نتیجه‌ای حاصل آمده باشد. بنابراین در ضمان اتلاف تقصیر شرط نیست. برای مثال فقیهان مسئولیت پزشک و دامپزشک را مشروط به اثبات تقصیر ندانسته و به طور کلی برای آنان مسئولیت برقرار کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۲۲).

قاعده اتلاف اختصاص به مال ندارد و شامل جان و اعضای بدن انسان نیز می‌شود، از این رو فقها در دیات (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ۱۸۷) و (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۳۳۰)، قصاص (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵۳) و ضمان پزشک مقصر (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ۲۳۲) و (نجفی، ۱۳۶۲، ۴۴) به این قاعده به وفور تمسک جسته‌اند و در صورت تحقق اتلاف، بیمار؛ جدای از مباحث کیفری در مبحث مدنی که بحث از پرداخت خسارت مزاد بر دیه؛ هزینه‌های درمان، از کارافتادگی، خسارات معنوی وارده بر اشخاص و سایر خسارات وارده بر بیمار و اطرافیان وی می‌باشد مسئول خسارات یا نقص وارده به دیگری است، هرچند به بیماری خود عالم نباشد و مرتکب تقصیر نیز نشده باشد.

۲-۳-۱- قاعده تسبیب

قاعده تسبیب یا اتلاف به تسبیب یا سبب اقوی از مباشر (ایروانی، ۱۴۳۲ق، ۱۶۰) از قواعد فقهی و حقوقی است که برخی مانند محمدحسن نجفی (نجفی، ۱۳۶۲، ۵۲) آن را انکار کرده و قاعده‌ای عمومی با عنوان تسبیب را نمی‌پذیرد. عمده دلیل این گروه نبود عنوان سبب یا تسبیب در ادله فقهی و عدم امکان اصطیاد قاعده کلی از روایات پراکنده مسئولیت مدنی است (طباطبایی لطفی و روشنی، ۱۳۹۰، ۸۳). بعضی مانند سیدعبدالفتاح حسینی مراغی (مراغی، ۱۴۱۷ق، ۴۳۵) و سیدمحمد بجنوردی (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱۲) قاعده تسبیب را به قاعده اتلاف ارجاع داده و آن را از مصادیق قاعده اتلاف می‌دانند و برخی مانند سیدمحمدباقر صدر (صدر، ۱۳۹۱ق، ۳۱۹) صراحتاً قاعده تسبیب را به عنوان قاعده مستقل فقهی پذیرفته‌اند و در تعریف این قاعده آورده‌اند: «در صورتی که شخص مالی را به طور مستقیم تلف نکند ولی برای تلف

کردن سبب‌سازی و تمهید مقدمه کند، کار او را تلف به تسبیب گویند. یعنی مسبب به کاری دست می‌زند که زمینه ارتکاب را آماده می‌سازد، چندان که اگر ارتکاب آن عمل نباشد تلف نیز رخ نمی‌دهد؛ ولی بین آن کار و وقوع تلف رابطه علیت وجود ندارد. بنابراین مسبب ضامن خسارتی است که از این راه به بار آمده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۵۹).

در بحث تسبیب با دو حالت «وحدت عامل سرایت بیماری» مانند این که شخص الف سبب می‌شود که شخص ب به شخص ج و بیروس را انتقال بدهد و «تعدد اسباب سرایت بیماری» مانند این که فردی بیماری را به دیگری منتقل نموده و اشخاص دیگری مانند کادر درمان یا سایر افراد ناقل حاضر در بیمارستان؛ بیماری وی را تشدید نموده باشند مواجه می‌باشیم که در این مقاله به بحث در خصوص وحدت عامل سرایت بیماری خواهیم پرداخت و بحث از تعدد اسباب به علت محدودیت در حجم مطالب میسر نگردید.

در قاعده تسبیب نیز همانند قاعده اتلاف، عمد و قصد اضرار لازم نیست و همین اندازه که از شخص ناقل بیماری کرونا ضرر و خسارتی به دیگری وارد شود کافی است. در این باره می‌توان به استفتائی از آیت الله مکارم شیرازی در خصوص بی‌توجهی و سهل‌انگاری شخص که باعث سرایت بیماری می‌شود اشاره نمود و در پاسخ به این پرسش که «چنانچه بر اثر سهل‌انگاری افراد مبتلا به بیماری‌های واگیردار و عدم توجه به رعایت بهداشت، این بیماری به دیگران سرایت کند و موجب بروز خسارت گردد، آیا ضامن هستند؟» فرموده‌اند: «در صورتی که این کار سبب ابتلای به بیماری خطرناک منتهی به مرگ می‌شود دیه تعلق می‌گیرد و آن کس که باعث شده باید دیه را بپردازد و اگر فقط هزینه درمانی سنگینی دارد آن را باید بپردازد.»^{۱۳} ولی احراز انتساب خسارت به فعل مسبب (ناقل کرونا) بدون تردید لازم است. همچنین علم به موضوع و حکم در هیچ یک از دو قاعده اتلاف و تسبیب شرط نیست؛ در هر حال مسئولیت و ضمان به وجود خواهد آمد.

اما تفاوت اتلاف و تسبیب در آن است که در تسبیب برخلاف اتلاف واسطه وجود دارد و فعل یا ترک فعل مضر، به گونه‌ای غیرمستقیم به مضرر رسیده است. تفاوت دیگر این دو قاعده این است که در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است، درحالی که در تسبیب حتی با ترک فعل هم ورود زیان متصور است. ترک فعل هم در جایی می‌تواند سبب تلقی شود که انجام آن فعل وظیفه و تکلیف قانونی یا قراردادی باشد. مانند عدم التزام عملی فرد ناقل کرونا نسبت به ماندن در خانه و حضور وی در

اجتماع که تکلیفی قانونی است یا چنانچه ناقل بیماری برخلاف توصیه‌های پزشکان و ستاد ملی مقابله با کرونا از ماسک استفاده نکند یا فاصله اجتماعی را رعایت نکند و همین ترک فعل منجر به سرایت بیماری به دیگری و نهایتاً زیان شخص شود. همچنین در اتلاف تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست ولی در تسبیب کسی که سبب تلف مال و اضرار دیگری شده، در صورتی مسئول است که در فعل خود تقصیر کرده باشد و فعلی که به مسبب نسبت داده می‌شود در نظر عرف عدوان و خطا باشد (محقق داماد، ۱۳۹۶، ۱۵۷). بنابراین بیمار ناقل هر زمان که مرتکب تقصیر گردد و سبب انتقال بیماری خود به دیگری شود مسئول پرداخت صدمات وارده مادی و معنوی خواهد بود و متعارف بودن انسان در زمینه بیماری‌های واگیردار به میزان احتیاط و توجهش به ایمنی دیگران باز می‌گردد (بادینی، ۱۳۸۹، ۷۶).

۳-۱-۳-۳- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از قواعد مهم و اساسی است که کاربردهای زیادی در مسائل فقهی و حقوقی دارد و تعهد بیماران به حفظ سلامت دیگران و عدم ایراد صدمه به آنان با این قاعده قابل توجیه می‌باشد. مدرکات این قاعده آیات، روایات و عقل می‌باشد. در مورد معنای ضرر و مفاد قاعده لاضرر، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی بیان شده که بررسی همه آنها از حوصله این مقاله خارج است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ۴۶۰) و (نراقی، ۱۳۷۵، ۴۹) و (شریعت اصفهانی، ۱۴۰۵ق، ۲۵) و (آخوند خراسانی، ۱۴۳۱ق، ۲۶۸) و (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ۴۱). از مجموع این دیدگاه‌ها می‌توان استنباط کرد که ضرر و زیان در اسلام غیرمشروع و مذموم قلمداد شده، اضرار به غیر و ایراد خسارت به دیگران موجب ضمان و مسئولیت مدنی می‌شود و عامل زیان را مکلف به جبران آن می‌سازد. به همین جهت قانون اساسی در برخی از اصول خود از جمله اصل چهل ام به آن توجه کرده است. اگرچه قاعده لاضرر، قاعده‌ای ثابت و تغییرناپذیر است، اما مصداق‌های آن بر حسب زمان و مکان متغیر و نسبی است. یکی از مصداق‌های آن پیشگیری از بیماری و دوری از موقعیت‌های بیماری‌زا است. برای مثال انجام اعمال مستحبی نظیر حضور در معامع چنانچه به نظر کارشناسان بهداشتی با احتمال عقلانی سرایت بیماری مواجه باشد، نه تنها از استجاب برخوردار نیست بلکه با حرمت جدی و اکید رو به رو خواهد بود. بنابراین به‌رغم استجاب مؤکد و فضیلت نماز جماعت و عبادت در مشاهد مشرفه، هرگاه حسب نظر کارشناسان بهداشتی؛ احتمال عقلانی باشد که حضور در این اماکن مقدس سبب ضرر به خود یا اضرار به دیگران می‌شود، نه تنها مستحب نیست بلکه در برخی فروض عبادت مورد نهی شارع قرار می‌گیرد و بنابر نظر

بسیاری از فقیهان بزرگ باطل و اعاده یا قضای آن واجب می‌گردد.^{۱۴} لذا چنانچه ثابت شود که تماس شخص موجب اضرار و سرایت بیماری کرونا به دیگری شده، شخص ناقل ضامن کلیه خسارات وارده است حتی اگر ناقل غیرمطلع از بیماری خود باشد.

از طرفی میان فقها در خصوص شمول این قاعده نسبت به امور عدمی از قبیل کتمان و ترک افشای بیماری مسری کووید-۱۹ اختلاف نظر است. برخی از فقها مانند محمدحسین نائینی (نائینی، ۱۴۱۸ق، ۴۲۰) این قاعده را در امور عدمی جاری نمی‌دانند؛ ولی برخی دیگر مانند سیدمصطفی محقق داماد (محقق داماد، ۱۳۹۶، ۲۰۵) و شیخ محمدباقر ایروانی (ایروانی، ۱۴۳۲ق، ۱۴۶) آن را جاری می‌دانند.

۳-۲- مسئولیت بیمار ناقل مطلع از بیماری خود (مسئولیت ناشی از کتمان بیماری)

این مبحث در فرضی است که بیمار مطلع سوءنیتی در انتقال بیماری خود به دیگران ندارد. چراکه وجود عنصر سوءنیت این مبحث را به مباحث کیفری سوق می‌دهد که خارج از این نوشتار است. با این فرض بیمار بدون سوءنیت و به دلیل اهمال و بی‌احتیاطی سبب انتقال بیماری خود به دیگری می‌شود. از آن جا که انتقال این ویروس می‌تواند از راه تنفس صورت گیرد، شخص ناقل با عطسه کردن یا سرفه یا نفس‌های معمولی و غیرارادی می‌تواند دیگران را مبتلا کند و فرد گیرنده نیز از راه تنفس و مراودات عادی که اموری ضروری و غیر ارادی می‌باشند آن ویروس را می‌پذیرد. حال در جایی که برای مثال بر اثر تنفس شخص ناقل، بیماری کرونا در خواب یا بیهوشی به پرستار، پزشک یا دیگری سرایت نماید؛ خود محل بحث است ولی آنچه مسلم است پذیرش نظریه عدم ضمان نائم در مورد ورود خسارت‌های جسمی بر دیگران؛ با اصل لزوم جبران خسارت و لزوم تدارک شخص زیان‌دیده که مورد تأکید فقها و حقوقدانان است همخوانی ندارد. در این خصوص که از موارد فقدان قصد فعل می‌باشد می‌توان به نظریه فقهی ضمان بیت المال بر اساس قاعده فقهی «الخارج بالضمان» تمسک جست (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۱۴).

در ادامه نظریات مطرح درباره مسئولیت مدنی بیمار مطلع مبتلا به بیماری واگیردار مورد بحث قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است قواعد اتلاف، تسبیب و لاضرر که در مبحث قبل مورد بررسی قرار گرفت در خصوص ناقل مطلع از بیماری خود نیز صدق می‌نماید، لذا به جهت اختصار از ذکر مجدد آن‌ها خودداری می‌گردد.

۱-۳-۲- قاعده غرور

قاعده غرور از جمله قواعدی است که مورد استناد فقها و حقوقدانان برای ضمان قرار می‌گیرد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱۴۱). دکتر محقق داماد غرور را چنین تعریف نموده است: «در صدور عملی از شخصی که باعث گول خوردن شخص دیگری شود و ضرر و زیانی متوجه او گردد شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارده برآید. شخص اول را «غار» شخص دوم را «مغرور» و قاعده حاکم بر این دو را «غرور» گویند.» (محقق داماد، ۱۳۹۶، ۲۱۲). در صدق غرور همین که شخص مغرور به ترغیب و تشخیص غار عملی را انجام دهد که متضمن ضرر باشد کافی است که غار را مسئول بدانیم هرچند که خود غار هم به ترتیب ضرر بر آن فعل جاهل باشد. لذا اگر کسی به قصد فریب دیگری دست به کاری زند که واقع را وارونه جلوه دهد و حقیقت را پوشاند ولی ثابت شود که منشأ جهل مغرور امور دیگری بوده و اقدام فریب کارانه این شخص اثری در جهل مغرور نداشته نمی‌توان آن شخص را ضامن دانست (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱۴۵). به هر حال مدلول قاعده غرور این است که مغرور نسبت به خسارات وارده از ناحیه قول یا فعل غار می‌تواند به غار مراجعه کرده و بر غار نیز لازم است خسارت مغرور را جبران کند.

درباره افراد ناقل بیماری واگیردار از نظر فقهی می‌توان به قاعده غرور استناد نمود. در این قاعده اگر انتقال بیماری؛ عمدی یا حتی ناشی از جهل باشد و ثابت شود که فرد ناقل، بیماری را به دیگری منتقل کرده از نظر مدنی مسئول است. لیکن مهم‌ترین نکته احراز این مسئولیت اثبات رابطه سببیت است و در صورتی که اثبات گردد فرد مشخصی عامل انحصاری بیمار شدن فرد بیمار شده یا در بیماری یا آسیب وی تأثیر داشته، آن فرد مسئول است. شخصی که با کتمان فرد مبتلا به بیماری مسری از او این بیماری را دریافت می‌کند و ضرر می‌بیند، مغرور بوده و می‌تواند به غار که همان بیمار کتمان‌کننده است رجوع کرده و خسارت خودش را دریافت کند. اگر شخص دریافت‌کننده بیماری بمیرد، اولیای وی می‌توانند به فرد انتقال‌دهنده مراجعه کنند و اگر او هم مرده باشد طبق فتوای فقها (علیان نژادی، ۱۳۹۴، ۲۳۰) می‌توانند از مال او دیه دریافت کنند^{۱۵} که جای بسط این موضوع در مباحث کیفری می‌باشد.

۱۵- مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، سؤال ۶۲۲: شخص مبتلا به ایذر و مانند آن، دیگری را به گونه‌ای به آن بیماری آلوده کرده که نوعاً پس از مدتی سبب صدمات یا مرگ وی خواهد شد. چنانچه ناقل زودتر از مجنی علیه فوت کند دیه مجنی

۲-۳-۲- قاعده تحذیر

قاعده تحذیر یکی از قواعد تأثیرگذار در رابطه با مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و حقوقی است. اگر کسی پیش از اقدام به کاری که احتمال دارد از رهگذر اعمال آن، خطری متوجه دیگری گردد، هشدار دهد و با وجود این، مخاطب یا شنونده به هشدار وی بی توجهی کند و خود را در معرض خطر قرار دهد، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱۶۳). این قاعده می‌تواند رافع مسئولیت باشد و ضمان را از ذمه مکلفان و اشخاص بردارد و مصادیقی غیرقابل احصاء دارد؛ به طوری که در موقعیت زمانی و مکانی که احتمال خطر و تهدید برای سلامتی جان یا مال انسان در آن وجود داشته باشد پرکاربرد است. بر این اساس هشداردهنده می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی مانند دولت، شرکت‌ها، پزشک، مسئول آزمایشگاه، شهرداری و... باشد^{۱۶} و مسئول شناختن عامل زیان در اکثر موارد در نتیجه تخلف از تعهد غیرقراردادی است. ضرورت و الزام اعلام وجود خطر (هشدار) به نحو صریح، متعارف و قابل فهم بودن هشدار برای مخاطبان، لزوم تقدم هشدار بر ورود زیان، تناسب وسایل هشداردهنده با نوع خطر و محیط (بنا به تشخیص عرف)، قرار ندادن هشدار گیرنده در معرض خطر، لزوم بلوغ و عقل هشدار گیرنده، لزوم اطلاع یافتن مخاطب هشدار از تحذیر، لزوم جهل هشداردهنده به ایجاد خسارت (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱۶۶) و (زراعت، ۱۳۹۴، ۱۷۴) از شرایط اساسی برای استفاده از قاعده تحذیر و احراز عدم مسئولیت هشداردهنده می‌باشد.

با توجه به این که زمان شیوع بیماری‌های واگیردار معمولاً دولت‌ها با توجه به وظیفه ذاتی که در خصوص بهداشت جامعه و سلامت شهروندان دارند، اقدام به تحذیر از طریق رسانه‌های همگانی می‌نمایند و محدودیت‌هایی را برای جلوگیری از گسترش بیماری به وجود می‌آورند، حال مسئله مهم این است که تحذیر دولت و نهادهای حاکمیتی می‌تواند رافع ضمان عامل انتقال زیان باشد یا خیر؟ آیا فاعلیت شخص محذر تأثیری در رفع ضمان وی دارد یا اینکه فاعل تحذیر هر کس می‌تواند باشد؟ در مورد ناقل غیرمطلع، می‌توان در صورت وجود شرایط تحذیر چه به صورت عام از طرف دولت و چه به صورت خاص از جانب ناقل یا دیگران قاعده تحذیر را جاری و وی را از مسئولیت معاف نمود. در نتیجه قاعده تحذیر

علیه و یا خسارات وارده بر او پس از مرگ جانی، در هر کدام از فروض عمد و شبه عمد و خطای محض بر عهده چه کسی است؟
جواب: هرگاه ناقل سبب مرگ باشد از اموال او بر می‌دارند.

۱۶- ر.ک: حسین قربان، (۱۳۹۶)، قاعده تحذیر و نقش آن در سقوط مسئولیت مدنی

قابلیت جاری شدن دارد. هرچند در مسئله کرونا تشخیص ناقل بودن افراد و احراز سرایت بیماری دقیقاً از یک شخص به شخص دیگر دشوار است. ولی بنا بر مفهوم مخالف قاعده تحذیر، عالم به خطر در صورت عدم هشدار و اطلاع‌رسانی به دیگران، مسئول است؛ بنابراین در سرایت بیماری واگیردار، شخص ناقل مطلع از ناقلیت خود در صورت بی‌احتیاطی و به علت عدم وجود دو شرط از شرایط قاعده تحذیر که عبارتند از «لزوم عدم تقصیر عامل زیان» و «عدم جهل عامل زیان به مخاطره‌آمیز بودن فعل و رفتار خود» ضامن است و نمی‌تواند با استناد به قاعده تحذیر مسئولیت خود را رفع نماید. در نتیجه اشخاص بیماری که از بیماری خود مطلع می‌باشند نمی‌توانند به استناد تحذیر مرتکب تقصیر شوند و در مواردی تکلیف به تحذیر خاص نیز دارند (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۱۰۵).

۳-۳-۲- قاعده وجوب ارشاد جاهل و نظریه تکلیف به افشاء

بر اساس قاعده وجوب ارشاد (اعلام) عالم بر جاهل آگاهی بخشی جاهل در اموری که مفسده و مصلحت وجود دارد در صورت وجود شرایط؛ واجب و لازم کفایی است و عالم موظف است بنا بر وظیفه شرعی خود در اموری که متضمن مصلحت یا مفسده‌ای می‌باشد جاهل را ارشاد نماید (مراغی، ۱۴۱۷ق، ۳۸۰). بنابراین عالم به بیماری کرونا وظیفه داشته سایر افراد را از بیماری خود آگاه نموده و ضمانت اجرای تخلف از وظیفه آگاه‌سازی جاهل توسط عالم در برخی موارد ایجاد حقی به نفع جاهل نسبت به عالم است (یزدانیان و ثقفی، ۱۳۹۳، ۳۵).

با توجه به نظریه تکلیف به افشاء نیز هرچند که در قوانین داخلی صراحتی در خصوص تکلیف به افشای بیماری بر عهده بیماران قرار نگرفته اما نظریاتی از فقها درباره تکلیف به افشاء موجود می‌باشد، از قبیل مسئولیت بیمار مطلع به بیماری خود که به عمد یا تقصیر؛ پزشک خود را از بیماری اش مطلع نمی‌نماید و سبب انتقال بیماری به پزشک می‌گردد (بهجت فومنی، ۱۳۸۶، ۱۷۲).^{۱۷} قواعد فقهی ارشاد و تحذیر نیز مهر تأییدی بر این تکلیف می‌باشند. بنابراین اهمال در تکلیف افشای بیماری از مصادیق تقصیر محسوب شده و بیماری که به دلیل این ترک فعل سبب انتقال بیماری به غیر می‌گردد، از باب تسبیب مسئول است (یزدانیان و ثقفی، ۱۳۹۳، ۳۶).

۱۷- سرایت بیماری به پزشک (مسئله ۳۹۳۲): بیماری مبتلا به بیماری مسری و مهلک (مانند ایدز) است و پزشک معالج را عمداً یا غفلتاً از آن مرض آگاه نمی‌کند و پزشک در جریان معالجه، مبتلا به آن مرض می‌شود و فوت می‌کند. آیا بیمار مسئولیتی دارد؟ جواب: اگر سرایت مرض معلوم بوده است، بیمار ضامن دپه پزشک است.

۴-۳-۲- قاعده ممنوعیت کتمان حقیقت

قاعده ممنوعیت کتمان حقیقت شامل کتمان شهادت (گواهی)، کتمان علم و... می‌شود و برای همه موارد می‌توان از عنوان کتمان حقیقت استفاده کرد (محمودی، ۱۳۹۸، ۱۱۶). در اثبات این قاعده می‌توان به حدیث نبوی «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا نَافِعًا عِنْدَهُ أَلْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ»^{۱۸} (محمودی ریشه‌ری، ۱۳۸۶، ۳۹)، آیات شریفه ۴۲ و ۱۴۶ سوره مبارکه بقره^{۱۹}، ۷۱ سوره مبارکه آل عمران^{۲۰} و عقل اشاره نمود. این قاعده کتمان حکم شرعی و موضوعات خارجی دارای حکم شرعی با رعایت شرایط خاص را دربرمی‌گیرد. در کتمان بیماری واگیردار ضرر متوجه به اشخاص دیگر است و احتمال این ضرر خیلی قوی است؛ زیرا موجب آسیب‌های بزرگ و حتی مرگ می‌شود. بر این اساس دارنده بیماری کووید-۱۹ باید جهت دفع ضرر مظنون از شهروندان آن را افشاء کند و کتمان آن ممنوع است. عدم افشای آن سبب ضمان خواهد شد (محمودی، ۱۳۹۹، ۴۴).

۵-۳-۲- نظریه تعهد به ایمنی

در عین حال که هر کس حق دارد در جامعه به فعالیت بپردازد؛ «هر کس در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود برد. این حق به وسیله قوانین حمایت شده است و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی تجاوز متجاوز است. همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام گذارند و ایمنی سایرین را به خطر نیندازند. همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف‌کننده آن جبران شود و ما الزام به جبران این خسارت را مسئولیت مدنی می‌نامیم.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۰۸). این امر در خسارات بدنی به‌عنوان نظریه تعهد به ایمنی مطرح شده است (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۱۶). مقصود از ایمنی در این جا همان برداشت عرفی آن به معنای وضعیتی است که در آن انسان، اموال و منافع او در معرض خطر نیفتند (خشنودی، ۱۳۹۲، ۲۹). صدمه به این حق تضمین شده که مطابق نظریه تضمین حق مطرح می‌شود دلیل

۱۸- هر کس از دانشی سودمند برخوردار باشد و آن را مخفی نگه دارد، در روز قیامت خداوند بر او لگامی از آتش زند.

۱۹- وَكَاتَبُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَكَتَبُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: و حق را به باطل درنیاویزید، و حقیقت را (با آن که خود می‌دانید) کتمان نکنید. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ: کسانی که به ایشان کتاب (آسمانی) داده‌ایم، همان‌گونه که پسران خود را می‌شناسند، او (محمد) را می‌شناسند؛ و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان (هم) می‌دانند.

۲۰- أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَكَتَبْتُمُ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل در می‌آمیزید و حقیقت را کتمان می‌کنید، با این که خود می‌دانید؟

کافی برای جبران و تعیین ضمانت اجراست. اصل بیست و دوم قانون اساسی^{۲۱} نیز بر حق امنیت تأکید کرده است. حفظ ایمنی اشخاص جامعه و اجتناب از لطمه به سلامت آنان به عنوان تکلیف عمومی آحاد مردم در رویه قضایی در نظر گرفته شده، به طوری که دادگاه بدوی و تجدیدنظر استان تهران در دادنامه ای^{۲۲} صاحب سگ را به جهت نگهداری آن که تهدیدی ضدبهداشت عمومی بوده به پرداخت مبلغی وجه نقد بدل از حبس تعزیری محکوم کرده است (محمودی، ۱۳۹۹، ۴۷).

مطالب بیان شده همگی بیانگر حفظ ایمنی و عدم اضرار به افراد جامعه است. لذا بیمار مبتلا به بیماری مسری موظف به حفظ سلامت دیگران بوده و در صورتی که سبب انتقال بیماری گردد مسئول خواهد بود؛ خواه مقصر باشد یا نباشد. بنابراین اگر نظریه تعهد به ایمنی را بر اساس قاعده لاضرر در نظام حقوقی ایران بپذیریم مسئولیت بیمار بدون توسل به قاعده اتلاف و تسبیب قابل اثبات است.

۴- مبانی رافع مسئولیت مدنی ناقل

می توان گفت حکم وضعی ضمان در صورت اضرار به غیر بر مدار دو شخص زیان رساننده و زیان دیده می باشد که مسئولیت مدنی را به وجود می آورد. هرچند اصل کلی و اولیه؛ مسئولیت مدنی ناقل بیماری واگیردار در قبال سایر اشخاص بوده لیکن در شرایطی این مسئولیت از اشخاص ناقل به موجب قاعده احسان و اقدام مرتفع می شود.

۴-۱- قاعده احسان

مطابق قاعده احسان اگر شخصی به انگیزه خدمت به دیگران عملی انجام دهد که در واقع سودمند قلمداد می شود، اما موجب ورود ضرر و خسارت به آنان شود، از هر نوع مسئولیتی اعم از این که مجازات و عقاب باشد یا ضمان مالی مبرا می باشد.^{۲۳} عناصر مهمی از جمله «قصد احسان فاعل»، «سودمند بودن ماهیت عمل از نظر عرف» و «عدم ارتکاب قصور از جانب فاعل» در تشکیل مفاد احسان دخالت دارند و در صورت عدم وجود هر کدام، صدق عنوان احسان و محسنانه بودن فعل فاعل آن خدشه دار خواهد شد. بنابراین اگر شخصی با حفظ این سه شرط خسارتی وارد نمود، ضمانتی بر او مترتب نخواهد شد (بجنوردی، ۱۴۰۱،

۲۱- حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۲۲- شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۰۶۹ مورخه ۱۳۹۱/۰۸/۲۸

۲۳- ما علی الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ: بر نیکوکاران (معذور) هیچ مؤاخذه و سرزنی نیست.

۳۳). آنچه روشن است این که قاعده احسان در مواردی جاری است که ضمان مطرح باشد و این قاعده مسقط ضمان است. لذا اگر شخصی قصد احسان داشته باشد و عمل او طبق موازین عقلی و عرفی احسان محسوب شود و اقدام کننده نیز در سنجش و بررسی عمل خود بدون هیچ گونه تقصیر و تسامحی، فقط به قصد جلب منفعت به دیگری و یا دفع ضرر از او، اقدام نموده باشد ولی اتفاقاً قصد او با واقعیت منطبق نگردد و در اثر عملش به محسن^۴ الیه ضرری برسد، ضامن نیست (مصطفوی، ۱۳۸۴، ۸۸).

از جمله قواعدی که قاعده احسان با آن در تعارض است قواعد اتلاف و تسبیب است که در حل این تعارض برخی قاعده احسان را بر قواعد مذکور حاکم می‌دانند و برخی نیز قائل بر تساقط این قواعد هستند که نظر مورد اختیار نیز تساقط هر یک از قاعده احسان و اتلاف و قاعده احسان و تسبیب است؛ در نتیجه در مواردی که ترجیحی در میان نباشد باید به اصول کلی دیگری مراجعه نمود که کارآمدترین اصل در موضوع مورد بحث اصل برائت است و در نتیجه واردکننده زیان فاقد مسئولیت به شمار می‌آید (اصغری آقمشهدی و اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۸، ۱۱۴). مطابق نظر برخی از علما می‌توان نظر داد اگر شخص مبتلا به بیماری واگیردار به قصد احسان و کمک به هم نوع در اماکن عمومی حضور یابد، اگر ضرر عمل شخص بیشتر یا حتی مساوی منفعت آن باشد، عقلاً چنین شخصی محسن محسوب نمی‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۴۰) در غیر این صورت این شخص را می‌توان محسن پنداشت و همان گونه که بیان شد بیمار مبتلا به امراض واگیردار موظف است بیماری خود را به اشخاص در معرض ضرر اطلاع داده و احتیاطات لازم را در جهت پیشگیری از انتقال بیماری خود به دیگران به کار بندد و در صورت عدم رعایت این تکالیف مصون از مسئولیت نخواهد بود.

۴-۲- قاعده اقدام

قاعده اقدام بدین معناست که هرگاه شخصی با توجه و آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان به مال یا جان او گردد، واردکننده زیان که شخص دیگری است مسئول خسارت نخواهد بود. بدین معنا که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن جان یا مالش شده است (محقق داماد، ۱۳۹۶، ۳۰۱) و (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱۰۵). مانند این که شخص به اجسام و سطوح ملوث به ویروس کرونا نزدیک شده یا به محیط آلوده وارد می‌شود، به دست گیره‌ای که آلوده به این ویروس است دست می‌زند و سپس دستان خود را به چشم، بینی یا دهان خود می‌زند و در دام کرونا گیر می‌ماند یا توصیه‌های پزشکی مرتبط با جلوگیری از شیوع کرونا را نادیده می‌گیرد. این قاعده به‌عنوان یکی از مسقطات ضمان و اسباب معافیت

از مسئولیت مدنی است که از طریق متزلزل ساختن مبانی ضمان همچون احترام مال مسلمان و قاعده لاضرر موجب انتفاء رابطه سببیت میان فعل زیانبار و خسارت وارده می‌شود و در مقابل دعوای جبران خسارت به آن استناد می‌شود.

از شرایط رفع ضمان از دیگری و مسئولیت مدنی عامل زیان به موجب قاعده اقدام این است که ورود خسارت به زیان دیده‌ای که اقدام به ضرر به خود کرده استناد داشته باشد. بنابراین منتقل‌الیهی که باعث سرایت بیماری به خود شده باید نسبت به زیانبار بودن اقدامش علم، آگاهی و اختیار داشته باشد یا این که قدرت جلوگیری از تشدید ضرر را داشته باشد تا بتوان زیان را به خودش مستند نمود. پس جایی که شخص منتقل‌الیه برای تهیه مایحتاج خود برخلاف توصیه‌ها و هشدارهای پزشکی مجبور به حضور در اجتماع و برقراری ارتباط با اشخاصی است که احتمال ناقل بودن آن‌ها وجود دارد نباید ضمان شخص ناقل را به موجب اقدام منتقل‌الیه و به موجب حاکمیت قاعده الایم فالایم منتفی دانست. همچنین نقش قاعده اقدام در تحقق قاعده تحذیر نیز انکارشدنی نیست؛ چراکه نفی مسئولیت هشداردهنده در صورتی است که تحذیرشونده متوجه هشدار شده باشد و امکان فرار و زمان داشتن تحذیرشونده و امکان عمل وی بر اساس تحذیر وجود داشته باشد. در صورتی که چنین امری محقق نشده باشد و از سوی دیگر آسیب دیده نسبت به خطرناک بودن مکان آلوده به بیماری کرونا علم نداشته باشد و به آن مکان نزدیک شود و آسیب ببیند، مفاد قاعده اقدام نسبت به آسیب دیده قابل اجرا نیست و بر مبنای قاعده تحذیر نمی‌توان هشداردهنده را که به نحو مؤثر هشدار نداده است، از مسئولیت مبرا دانست (حکمت نیا، ۱۳۸۹، ۱۷۸). لذا زیان دیده‌ای که از هشدارها و تحذیرهای پزشکی مطلع شده و امکان عمل به مفاد تحذیر را داشته و با این وجود خود را در معرض سرایت بیماری قرار داده و بیمار شده مرتکب تقصیر شده و به موجب قاعده اقدام خسارتی به وی تعلق نمی‌گیرد، اما مخاطب تحذیری که از تحذیر مطلع نشده یا در تراحم میان ضرر ناشی از عمل نکردن به تحذیر و ضررهای دیگر مطابق قاعده الایم فالایم و به شیوه عقلا جانب اجتناب از سایر ضررها را گرفته مستحق دریافت خسارت می‌باشد (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۸۶).

همان‌طور که می‌دانیم در قاعده تسبیب در صورتی سبب ضامن خسارت زیان دیده است که استناد اضرار به او قوی‌تر باشد و در صورت تساوی یا قوی‌تر بودن استناد اضرار به مباشر، مباشر ضامن خواهد بود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵۰۱) و (نجفی، ۱۳۶۲، ۵۷). حال در صورتی که شخصی از بیماری واگیردار فرد دیگر اطلاع داشته باشد و به او نزدیک شده و مبتلا به همان بیماری شود، استناد اضرار به شخص

دریافت‌کننده بیماری که همان مباشر باشد قوی‌تر از استناد آن به فرد انتقال‌دهنده بیماری است، از این رو شخص دریافت‌کننده بیماری مسئول ابتلای خویش به آن بیماری است و فرد انتقال‌دهنده بیماری ضمانی نسبت به وی ندارد؛ زیرا شرط ضمان تقصیر است (یزدانیان و ثقفی، ۱۳۹۳: ۴۶). بر همین اساس اگر پزشکی به معالجه فرد مبتلا به بیماری واگیردار بپردازد و به این بیماری علم داشته باشد و همان بیماری را دریافت کند، فرد بیمار هیچ ضمانی نسبت به وی ندارد (بهجت فومنی، ۱۳۸۶، ۱۷۲).

قابل ذکر است ضمان به موجب اقدام منتقل‌آلیه به معنای نادیده گرفتن نقش ناقل نیست و چنانچه ناقل نیز علاوه بر منتقل‌آلیه بیماری مسری در انتقال و بروز خسارت تقصیر داشته باشد و شخص زیان دیده در بروز خسارت بر خود به تنهایی مؤثر نباشد مانند این که هیچ یک به توصیه‌های بهداشتی مبنی بر ضرورت استفاده از ماسک جهت جلوگیری از سرایت بیماری توجه ننموده باشند و ماسک زده باشند؛ باید در این موارد اقدام منتقل‌آلیه بیماری را مسقط بخشی از ضمان ناقل دانست و عامل زیان در حدود تقصیر و بی‌احتیاطی خود مسئول جبران خسارت شخص منتقل‌آلیه خواهد بود. این حکم در جایی که شخص زیان دیده در ورود خسارت به خود نقشی نداشته و اقدامی ننموده اما در جلوگیری از تشدید زیان به خود نقش داشته، برای مثال به موقع جهت درمان خود اقدام ننموده نیز جاری خواهد بود (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۱۶).

۵- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و ضمان ناشی از شیوع و انتقال بیماری کرونا

مفاد قاعده وجوب دفع ضرر محتمل این است که باید انسان از هر چیزی که احتمال ضرر اعم از دنیوی و اخروی به خود یا دیگری در آن بدهد پرهیز کند (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ۳۰۶). مستند قاعده وجوب دفع ضرر محتمل عقل است و مقرر می‌دارد در جایی که بیم تحمل ضرر وجود دارد، باید به نحوی عمل کرد که از وقوع آن ضرر جلوگیری شود (حیاتی، ۱۳۹۳، ۱۹۵). اگرچه اصولاً همه انسان‌ها در ارتکاب رفتار خود آزادند و کسی حق ندارد آن‌ها را محدود نماید اما این آزادی می‌تواند در مواردی به علت تعارض با حقوق دیگران محدود گردد و در مواردی که شخص احتمال ضرری را می‌دهد؛ فقها دفع آن ضرر را واجب دانسته‌اند و این ضرورت اجتناب را تحت عنوان قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بیان نموده‌اند. با در نظر داشتن تأثیر علم ناقل بیماری بر مسئولیت مدنی قابل بیان است که به جز معدود افرادی که از ابتلا یا ناقل بودن خود به بیماری مسری کرونا اطمینان دارند، غالب افراد جامعه ظن یا وهم به ناقلیت بیماری دارند. اگر انتقال بیماری طی رفتاری خاص؛ قطعی و یقینی باشد هیچ گفت و گویی پیرامون حرمت و ممنوعیت چنین رفتاری به وجود نمی‌آید (احسانی فر، ۱۳۹۹، ۱۴۶). لکن چالش عمده آن است که در

قریب به اتفاق رفتارهای اجتماعی شخص اطمینانی در خصوص ناقلیت خود یا انتقال بیماری طی رفتار خود را ندارد و انتقال بیماری طی این رفتارها محتمل است. شواهد موجود در ادله روایی بر ممنوعیت هر رفتار عامل انتقال که احتمال عقلانی به انتقال بیماری از آن برود توجه داشته و به صرف ناچیز و کم اهمیت بودن احتمال یک واقعه نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد چراکه محتمل (ضرر یا پیامد زیانبار) ممکن است خطیر و شدید باشد، یعنی هم به احتمال و هم محتمل توجه می‌گردد. بنابراین حتی اگر احتمال انتقال بیماری کرونا ضعیف باشد ولی چون از انتقال این بیماری خطر مرگ برای منتقل‌آلیه وجود دارد این شدت محتمل؛ اقتضاء اجتناب از ضرر و رفتار زیانبار حتی با درصد احتمال بسیار پایین را دارد و شخصی که مبتلا به بیماری کرونا یا ناقل این بیماری است در رفتار و افعال خود محدود به احتیاط در عدم اضرار به خود و دیگران است.

روایت ذیل نیز تأییدکننده اجرای این قاعده در مسدود کردن راه‌های انتقال بیماری می‌باشد: علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (ع) پرسش می‌نماید: آیا انسان می‌تواند از سرزمینی که در آن وبا واقع شده فرار کند؟ امام پاسخ می‌دهند: تا زمانی می‌تواند از شهر محل وقوع وبا فرار کند که وبا در مسجدی که در آن نماز می‌خواند واقع نشده باشد و اگر در میان نمازگزاران مسجدی که شخص در آن نماز می‌خواند وبا واقع شود شخص صلاحیت فرار از شهر را ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۳۱). حکم عدم اجازه خروج از شهر به شخصی که بیماری مسری در منطقه محل اقامتش شیوع یافته به آن دلیل است که احتمال ابتلای این شخص به بیماری وجود داشته و با خروجش از آن منطقه احتمال انتقال این ویروس به دیگران نیز وجود دارد و سبب انتشار ویروس در مساحت بزرگ‌تری می‌گردد. این ضرر محتملی است که مطابق قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، نهی از خروج ایجاب گردیده است (احسانی فر، ۱۳۹۹، ۱۵۹).

شدت محتمل یعنی مسری بودن و قابلیت انتشار بیماری کرونا در سطح انبوه و با سرعت زیاد در حکم دفع ضرر محتمل و مرحله منع رفتار بسیار تعیین‌کننده است. احتمال انتقال بیماری کرونا به دیگران، شیوع و گسترش سریع آن در سطح جامعه و ضرر جانی که بر اثر انتقال این ویروس وجود می‌آید از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و حتی احتمال اندک به تحقق چنین ضرری را نمی‌توان مورد بی‌اعتنایی قرار داد. به همین جهت فقیهان در مواردی که خوف ضرر به جان افراد وجود دارد، نه تنها ضرر مظنون، بلکه ضرر مشکوک و حتی موهوم عقلایی را معتنابه قلمداد کرده‌اند و در معادله شدت محتمل و درجه احتمال، بالاترین درجه اهمیت را برای آن قائل شده‌اند. نظیر همین تحلیل در برخی فتاوا در دوران

شیوع بیماری کرونا ارائه شده و احتمال ضعیف را نیز به علت شدت خطرات و آثار زیانبار این بیماری برای دفع و منع رفتار عامل انتقال کافی دانسته‌اند. در این رابطه می‌توان به فتوایی از آیت الله شبیری زنجانی اشاره کرد: سؤال: «در زمان شیوع بیماری واگیردار و کشنده‌ای مثل کرونا، حکم شرعی شرکت در تجمعات مذهبی، مجالس ترحیم یا جشن و شادی و به طور کلی حکم حضور در فضاها و شلوغ بدون اینکه ضرورتی در بین باشد چیست؟» جواب: «اگر مسئولین امور بهداشتی و پزشکی در این زمینه رعایت امری را لازم می‌دانند، رعایت آن برای جلوگیری از انتشار بیماری لازم است. در کل نباید کارهایی انجام داد که هرگونه احتمال عقلایی مبتلا کردن یا مبتلا شدن به این بیماری در آن وجود داشته باشد، هرچند احتمال ضعیف باشد.»^{۲۴}

بر این اساس در رفتارهای عامل انتقال بیماری مسری نمی‌توان احتمال ضعیف انتقال را مانع صدور حکم به دفع و منع رفتار تلقی کرد، به‌ویژه اگر بیماری مزبور همانند ویروس کرونا فاقد روشهای درمانی مؤثر و قطعی باشد و انتقال‌پذیری آن به حدی سهل و سریع باشد که منجر به شیوع و انتشار بیماری در گستره وسیع در جامعه می‌گردد.

نتیجه

در نظام فقهی ما ضمن تأکید بر لزوم احترام به تمامیت جسمانی و حیثیتی افراد، با توجه به عناصر ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببی میان ضرر و فعل زیانبار به‌ویژه قابلیت انتساب یا استناد ضرر به فعل مرتکب برای تحقق ضمان؛ شخص مرتکب هر نوع رفتار که منتج به صدمه به حقوق و منافع مورد حمایت انسان دیگری شود و خود نیز در بروز این صدمه اقدام و نقشی نداشته باشد را ضامن جبران خسارات وارده شناخته است. لذا بر اساس اصل کلی، ضمان قهری ناشی از ضررهای کرونا بر عهده شخصی است که آن را ایجاد کرده یا در صدد گسترش آن برای مقاصد مختلف است یا با وجود توانایی بر رفع یا دفع؛ به عمد با آن مقابله نمی‌کند.

نقش افراد در جلوگیری از شیوع ویروس کرونا بسیار چشمگیر است؛ به نحوی که علاوه بر رعایت نکات بهداشت فردی، بایستی از آلوده شدن دیگران به این ویروس جلوگیری کنند و ناقلان ویروس کرونا طبق قواعد مسئولیت مدنی و همچنین ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مسئول بوده و ملزم به جبران زیان وارده به دیگران هستند که این زیان در بخش مدنی می‌تواند پرداخت خسارات مازاد

بر دیه از قبیل هزینه‌های درمان، از کارافتادگی و خسارات معنوی وارده بر اشخاص باشد. بنابراین با توجه به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، شخصی که مبتلا به بیماری مسری کرونا یا ناقل این بیماری است حتی اگر احتمال انتقال بیماری کرونا ضعیف باشد ولی چون از انتقال این بیماری خطر مرگ برای منتقل‌آلیه وجود دارد لذا این شدت محتمل؛ اقتضاء اجتناب از ضرر و رفتار زیانبار حتی با درصد احتمال بسیار پایین را دارد و در رفتار و افعال خود محدود به احتیاط در عدم اضرار به خود و دیگران است.

مسئولیت ناشی از انتقال بیماری تنها مخصوص بیمار مطلع از بیماری خود نبوده و بیماران ناآگاه را نیز شامل می‌شود. بنابراین مبانی مطرح در باب مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار در دو فرض عمده مطرح می‌شود: الف- بیماری که از بیماری خود اطلاعی ندارد که مسئولیت این بیماران با مبانی اتلاف و تسبیب یا به عبارت دیگر نظریه تقصیر اثبات می‌گردد. آنچه در حقوق اسلامی مهم است رابطه سببیت بین فعل عامل زیان و خسارت وارده است و تقصیر می‌تواند قرینه یا اماره‌ای بر وجود رابطه سببیت باشد. ب- بیماری که از بیماری خود آگاه است و با اطلاع، سبب انتقال بیماری به دیگری شود که در این فرض بیمار مطلع از بیماری خود بدون سوءنیت و صرفاً به دلیل اهمال و بی‌احتیاطی سبب انتقال بیماری خود به دیگری می‌شود. قاعده تحذیر، قاعده وجوب ارشاد جاهل و نظریه تکلیف به افشاء، قاعده ممنوعیت کتمان حقیقت، قاعده لاضرر، نظریه تعهد به ایمنی و قاعده غرور از نظریات مطرح درباره مسئولیت مدنی بیمار مطلع مبتلا به بیماری واگیردار می‌باشند. هرچند اصل؛ مسئولیت مدنی ناقل بیماری واگیردار در قبال سایر اشخاص بوده لیکن در شرایطی این مسئولیت از اشخاص ناقل به موجب قاعده احسان و اقدام مرتفع می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

-قرآن کریم

فارسی

- احسانی فر، احمد، ۱۳۹۹، ابعاد فقهی و حقوقی بیماری‌های واگیر خطرناک و سریع‌الانتشار از منظر قاعده و جوب دفع ضرر محتمل، **حقوق اسلامی**، شماره ۶۴.
- اسحاقی، الهام؛ زینلی، حامد؛ حسینی، سیدمحمد؛ ۱۳۹۸، مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۱۳۸.
- اصغری آقمشهدی، شهرام؛ اصغری آقمشهدی، رئوفه؛ ۱۳۹۸، بررسی فقهی و حقوقی تعارض قاعده احسان با قواعد اتلاف و تسبیب، **دوفصلنامه الهیات قرآنی**، شماره ۵.
- امامی، سیدحسن، ۱۳۷۴، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- بهجت فومنی، محمدتقی، ۱۳۸۶، **استفتائات**، قم، دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.
- بادینی، حسن، ۱۳۸۹، نگرشی انتقادی به معیار «انسان معقول و متعارف» برای تشخیص تقصیر و مسئولیت مدنی، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۱.
- توکلی، احمد؛ وحدت، کتایون؛ کشاورز، محسن؛ ۱۳۹۸، کروناویروس جدید ۲۰۱۹ (COVID-19) بیماری عفونی نوظهور در قرن بیست و یک، **دوماهنامه طب جنوب**، شماره ۶.
- حسین قربان، نیلوفر، ۱۳۹۶، **قاعده تحذیر و نقش آن در سقوط مسئولیت مدنی**، تهران، انتشارات قانون‌یار.
- حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۸۹، **مسئولیت مدنی در فقه امامیه: مبانی و ساختار**، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حمیم، سلیمان، ۱۳۸۶، فرهنگ معاصر کوچک انگلیسی-فارسی حمیم، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- جهان‌پیمان، پریناز؛ شمسی، افضل؛ نژادرحیم، رحیم؛ آقازاده سرهنگی‌پور، کوروس، ۱۳۹۹، دانستی‌های ویروس کووید-۱۹، از تشخیص تا پیشگیری و درمان: یک مرور روایتی، **مجله علوم مراقبتی نظامی**، شماره ۳.
- حیاتی، علی‌عباس، ۱۳۹۳، مفهوم «اصل احتیاط» و جایگاه آن در مسئولیت مدنی، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۰.
- خشنودی، رضا، ۱۳۹۲، مطالعه تطبیقی تعهد ایمنی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۱.
- زراعت، عباس، ۱۳۹۴، **قواعد فقه مدنی**، تهران، انتشارات جنگل.
- طاهری، سارا، ۱۳۹۹، مروری بر بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) و آنچه درباره آن شناخته شده است،

تصویر سلامت، شماره ۱.

- طباطبایی لطفی، عصمت‌السادات و روشنی، محمود، ۱۳۹۰، قاعده تسبیب و رابطه آن با قاعده اتلاف،

مطالعات فقهی فلسفی، شماره ۷.

- علیان‌نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۹۴، احکام پزشکی مطابق با فتاوی آیت‌الله مکارم شیرازی، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

- فولادبند، فرح‌ناز، ۱۳۹۱، بیماری‌های واگیر (پایه یک)، شیراز، انتشارات امور بهورزی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- گنجی، علی؛ مسیبی، قاسم؛ خاکی، محسن؛ قضاوی، علی، ۱۳۹۹، مروری بر کروناویروس نوپدید ۲۰۱۹: ایمونوپاتوژنز، بیولوژی مولکولی و جنبه‌های بالینی، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، شماره ۱. - محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۶، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

- محمودی، اکبر، ۱۳۹۸، بررسی قاعده فقهی حرمت تغیر جاهل، فصلنامه فقه، شماره ۲.

- محمودی، اکبر، ۱۳۹۹، مسئولیت مدنی و کیفری کتمان بیماری واگیردار (خاصه کووید-۱۹) از شهروندان، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۱۰.

- مصطفوی، سیدمصطفی، ۱۳۸۴، احسان منبع مسئولیت، مجله فقه و حقوق، شماره ۶.

- هوشمند فیروزآبادی، حسین، ۱۳۹۹، امکان سنجی رفع مسئولیت مدنی ناقلان بیماری‌های همه‌گیر در پرتو قاعده تحذیر، حقوق اسلامی، شماره ۶۴.

- هوشمند فیروزآبادی، حسین، ۱۳۹۹، تأثیر علم و قصد بر مسئولیت مدنی ناقل بیماری‌های واگیردار، مجله فقه پزشکی، شماره ۴۲.

- یزدانیان، علیرضا، ۱۳۷۹، حقوق مدنی: قلمرو مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات ادبستان.

- یزدانیان، علیرضا، ۱۳۸۷، حقوق مدنی: قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان.

- یزدانیان، علیرضا، ۱۳۹۰، مبانی مسئولیت مدنی متصدی در قراردادهای حمل و نقل کالا در حقوق ایران و فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳.

- یزدانیان، علیرضا و ثقفی، مریم؛ ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۰.

عربی

- آخوند خراسانی، شیخ محمد کاظم، ۱۴۳۱ق، **کفایه الاصول**، قم، مؤسسه آل البيت (ع) عیاء التراث.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹ق، **فرائد الاصول (الرسائل)**، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- ایروانی، محمدباقر، ۱۴۳۲ق، **دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه**، قم، دارالفقه للطباعه و النشر.
- بجنوردی، سیدمحمد بن حسن موسوی، ۱۴۰۱ق، **قواعد فقهیه**، تهران، مؤسسه عروج.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- رازی، احمد، ۱۳۸۷، **ترتیب مقایس اللغه**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شریعت اصفهانی، شیخ فتح الله، ۱۴۰۵ق، **قاعده لاضرر**، قم، مؤسسه النشره اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم، کتابفروشی داوری.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۱ق، **بحوث فی شرح العروه الوثقی**، نجف، مطبعه الآداب.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، **شرائع الاسلام فی مسائل الاحرام و الحرام**، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- محمدی ریشه‌ری، محمد، ۱۳۸۶، **میزان الحکمه**، قم، انتشارات دارالحديث.
- مراغی، سیدمیر عبدالفتاح، ۱۴۱۷ق، **العناوین الفقهیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، سیدمحمد کاظم، ۱۴۲۱ق، **القواعد: مائه قاعده فقهیه معنی و مدرکاً و مورداً**، قم، مؤسسه النشره اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳ق، **مجمع الفائده و البرهان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۰ق، **الرسائل**، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- نائینی، محمدحسین، ۱۴۱۸ق، **منیه الطالب فی شرح المکاسب**، قم، مؤسسه النشره اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۵، **عوائد الایام فی بیان القواعد الاحکام**، بیروت، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.